



۲۰۱۳/۰۳/۱۲

فرهاد لیبیب

قیام ۲۴ حوت هرات

ز تند باد حوادث نمی توان دیدن در این چمن که گلی بوده است یا سمنی

سوگندانه باید گفت که، حرص و آز، استعمار و استحمار، چنان هرج و مرج و سر در گمی را در بیان کارنامه قهرمانان و حقایق تاریخ سرزمین ما رقم زده است که تا امروز ما قادر نشده ایم یک رهبر نظامی، سیاسی و یا مذهبی خویش را بشناسیم و از دل و جان بدان باور داشته، رهبری و پیشوایی اش را به جان و دل خریدار شویم. این بدان معنی نخواهد بود که ما در گذشته و حال، بزرگ و بزرگانی از این دست نداشته ایم، نخیر . . . اما از آن جایی که گفته آمد استعمار و ایادی آن، چنان این چهره های تابناک را به تاریکی ها فرو برده اند:

تو گویی: در این چمن نه گلی بوده است و نی سمنی.

باری درد ناکتر و اندوه بار تر اینکه : بعد از این همه قربانی و ریختن اشک و خون (که تاریخ بشر کمتر به یاد دارد) ملت و مردمان ما از درک حقایق و شناخت آن چنان به دور نگهداشته شده اند که، تو گویی جعبه جادویی را از گذشته به خصوص از سه دهه اخیر تماشای می کنند. . .

از جمله صد ها طغیان و قیام . . . یکی هم قیام فرقه هفدهم هرات و یا (قیام ۲۴ حوت هرات) است که تا حال، علت اصلی و حرکت دهندگان حقیقی آن در هاله ای از غبار پیچانیده شده است . . . به هر حال . . . تا جایی که امکان داشته است، بیشتر به شرح نظامی این قیام پرداخته شده، به امید آنکه در آینده حقایق به صورت کامل برملا و قهرمانان حقیقی را مردم و آیندگان ما هم در این قیام و هم در قیام های نظامی و ملکی دیگر بشناسند.

به امید چنین روزی ..

قیام ۲۴ حوت در هرات

با روشن شدن ماهیت ضد ملی و ضد انسانی رژیم مزدور و منفور، بعد از کودتای خانه برانداز ثور ۵۷ مردم افغانستان در هر کوی و برزن جهت بر چیدن رژیم و طومار بادران شان (روس ها) دست بکار شدند.

در این هنگام هر مسجد و مدرسه، هر دفتر و دیوان هر قاغوش و قوماندانی و خلاصه هر خانه و هر کوچه، محل جلسات فرزندان صادق سرزمین ما "افغانستان" گردیده بود که جهت پیدا کردن راه های موثر برای سرنگونی رژیم ضد ملی "خلق و پرچم" تلاش می کردند.

سر انجام ملت با شرف و مردم غیور افغانستان آماده قیام شدند و اولین جرعه های انقلاب ملی در میان دره های زیبا و دشوار گذار "کنر و نورستان" به تلالو برخاست و زبان های آن سراسر افغانستان را فرا گرفت. منسوبین با شرف اردوی افغانستان که بیشتر از دیگران در گیر حلقه های جنایت مزدوران روس قرار گرفته بودند، در هر قدمه و قطعه با وصف همه خطرات و مشکلات به شور آمده و مسؤولیت ملی و تاریخی شان را در این برهه توفان ملی رفع ساختند، که قیام فرقه جلال آباد، قیام فرقه نهرین، قیام بالااحصار کابل، قیام غند کوهی اسمار، پکتیا، لوای "حسین کوت" قیام پیلوتان میدان هوایی شیندند را می توان مشت نمونه خروار مثال زد.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

و اما قیام بیست و چهارم حوت هرات ...

فرقه ۱۷ هرات به جهت موقعیت خود در سرحد، یکی از قطعات کامل اردوی افغانستان به حساب می آمد که مزید بر جزو تام های پیاده، دارای قطعات زره دار، مخابره، توپچی و مدافعه هوایی بود، که در سطح اردوی افغانستان یک فرقه کاملاً مجهز و مکمل شمرده می شد.

بعد از کودتای ویرانگر ثور در رأس این فرقه "سید مکرم" یکی از سازمانی های پیرو خط "ماسکو" که از نظر فهم در ساحه اجتماعی و حتی نظامی در پائین ترین سطح قرار داشت، به کار گماشته شد. قساوت قلب و لا پروایی این شخص، مانند اکثریت سازمانی ها، در مقابل مسایل فرهنگی و ملی احساسات منسوبین فرقه را جریحه دار می ساخت. موازی با او در ساحه ملکی "نضیف الله نهضت" والی منسوبه رژیم، با جمعی دیگر از نو به دولت رسیدگان، با حرکات جاهلانه و ظالمانه خویش مردم را به طغیان وا می داشتند و هر روز بیشتر از روز دیگر این نفرت و انزجار فزونی یافته و زمینه یک جنبش سرتاسری را آماده می ساخت.

بلی :

زمانیکه استخبارات رژیم از نارضایتی و نفرت مردم و منسوبین فرقه علیه دولت و گماشتگان شان اطلاع یافتند، تمام جزو تام های فرقه را از "زلمی کوت" بیرون کرده و به صورت پراکنده در دامنه های "تخت صفر" جابجاء نمودند، تا از حرکات احتمالی علیه خویش جلوگیری کرده بتوانند. با وصف چنین اوضاع مشکوک، جلسات و دید و وادید ها جهت سقوط رژیم مزدور و منفور در فرقه هرات و در خارج از آن جریان داشت.

جلسات نظامیان ضد رژیم بیشتر در منزل دگرمن " نور محمد خان " قندهاری و جگرن "شمشیر" خان کنری صورت می گرفت، که مزید بر این دو رهبر، سرسپردگان دیگر مانند: دگرمن میر علم خان صافی، جگرن داوود خان افریدی، تانکبست فردوس خان کنری، جگرن شایسته خان، غلام رسول خان بلوچ، تورن اسماعیل خان هراتی، تورن علاوالدین خان، لمری بریدمن خلیل خان کرخ، لمری بریدمن بصیر خان در آن شرکت می کردند. موازی با فعالیت های نظامیان ضد رژیم در ساحه ملکی نیز گردهمایی های بدین منظور در جریان بود، تا جایی که منابع موجود ذکر کرده اند، خانه و باغچه "محمد افضل خان شهیر" یکی از پایگاه های ضد رژیم بود که اکثراً در اینجا، مولوی عبدالعزیز، خطیب مسجد جامع هرات، قاری ابوبکر مدیر معارف آن ولایت، حاجی عبدالسلام غوریانی، سید اسحاق دلجو، غلام رسول احزازی گردهم می آمدند. در این وقت ولایت هرات در اثر چنین فعالیت ها به انبار باروتی شباهت داشت که منتظر یک جرقه حریق بود.

زمانی که زمستان ۱۳۵۷ به پایان خود نزدیک می شد، همگام با شکسته شدن سردی هوا، غرش رسیدن توفان انقلاب در هرات، همانند دره نورستان و کنر به گوش ها طنین انداز شد، در قریه سلیمی، قریه غوریان، زنده جان و دره گذره علایم مقاومت عملی هویدا گردید، که جواب دولت فاشیستی بیگانه از مردم در این زمان و در این مکان، فقط گلوله و آتش بود، و دیگر هیچ ...

و اما جرقه انقلاب ..

جرقه اصلی انقلاب و طغیان هرات در ۲۳ حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی به غریو و آتشفشانی برخاست و آغازش چنین بود :

زمانیکه به بریدمن "خلیل خان" آمر بطریه توپ از طرف مشاور روسی فرقه هرات امر می گردد که " دره گذره " را زیر ضربات گلوله قرار دهد، خلیل خان از امر سرپیچی کرده جواب می دهد که بالای مردم بی دفاع نمی توانم آتش کنم، وقتی به تحکم مشاور روسی مواجه می گردد، احساسات ملی و نظامی او بر انگیزه شده، به سرعت انگشت بالای ماشه ماشیندار گذاشته و مشاور را به گلوله می بندد، به تعقیب آن امر می کند که بطریه توپ را به استقامت منازل رهایشی مشاورین روس جابجاء سازند و آنجا را زیر ضربات آتش قرار دهند.

این حرکت متهورانه خلیل خان چون امواج توفان به همه جا می پیچد و هرات باستان را به لرزه می آورد، اولاً باشندگان "گذره" که تعداد شان به دو هزار نفر می رسد، همانشب را در جنگلی گرد آمده، به شور و کنگاش می

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

پردازند. . . فردا ۲۴ حوت بعد از ادای نماز، با بیرق های سفید و شعار های ملی و اسلامی به رهبری " گل محمد تیزیلی" و "مولوی صالح محمد" به طرف مرکز شهر مارش می کنند. دسته جات دیگر مردم از ولسوالی انجیل به شهر رو آورده و اهالی مرکز شهر که در رأس شان "حاجی جلال الدین مهمند، سید فغفور، پهلوان محمد علی و ارباب غلام رضا" قرار دارند به مارش کنندگان می پیوندند. در این مهمه و غریو، حزبی ها به امر مشاورین روسی بروی انبوه مردم آتش گشوده، که در نتیجه تعدادی از مردم تلف می شوند، مگر مردم از مقاومت دست نکشیده، با سنگ و چوب به مقابله و مقاومت ادامه می دهند.

حینی که زد و خورد در شهر میان مردم و سازمانی ها در جریان بود، نظامیان سر سپرده مردم به سرعت دست به کار شدند.

نخست سه نفر صاحب منصب به قومانده "جکتورن هادی خان تره خیلی"، در حالیکه ماشیندار به دست دارند، به تالار طعام خوری صاحب منصبان "زلمی کوت" وارد شده، افسران روس و سازمانی های را که، در آنجا برای جلسه جمع شده و تعداد شان به شصت نفر میرسید، به آتش بستند، سپس جگرن شمشیر خان با افراد معیتی و وسایل تحت قومانده اش داخل شهر شده، به دفع و طرد تانکها و زرهپوش های سازمانی ها، که علیه مردم ملکی داخل جنگ شده بودند، پرداخت.

همزمان "دگرمن میر علم خان صافی" قوماندان ۲۸ توپچی، مرکز قوماندانی در "باغ فرامز خان" و مرکز ولایت را هدف گلوله های توپ قرار میدهد، که در نتیجه این آتش، قوماندان فرقه، والی منسوبه رژیم با مشاورین خود، نخست به میدان هوایی هرات و از آنجا به "شیندند" فرار نمودند.

بعد از انجام این عملیه، رهبران نظامی قیام، دیپوهای سلاح را کشوده و مردم را مسلح ساختند. روز ۲۵ و ۲۶ حوت در هرات اوج قیام بود، در این مدت تمامی مراکز مقاومت سازمانی ها درهم کوبیده شد، اکثریت آنها به شمول پنجاه نفر مشاور روس به قتل رسیدند، نظامیان به همکاری مردم نقاط حاکم شهر را با توپ و ماشیندار های ثقیل استحکام بخشیدند و شهر بکلی از لوٹ روس و وابستگانش پاک ساخته شد. . .

اما .. ۲۷ حوت ۱۳۵۷

دولت ضد ملی و وابسته به روس از این حرکت عمومی مردم سراسیمه شده و کابوس شکست و نابودی، رگ رگ آنها و بادران شان را به لرزه در آورد، "ترکی" به عجله با "بریژنف" در تماس آمده و خواهان گسیل سربازان روسی و بمباردمان مناطق آزاد شده گردید. سر انجام مشاورین ارشد نظامی و سیاسی روس با همکاری مزدوران خویش دست به چنین حيله و تزویری زدند:

نخست یک قطعه مجهز زرهدار در حالیکه با بیرق های سبز و کلمه شهادت مزین ساخته شده بود، از قندهار به طرف هرات سوق داده شد. همزمان با نزدیک شدن آنها به دروازه های شهر هرات، دو "هلیکوپتر توپدار" به عین شکل "تزیین کلمه شهادت" بر فراز شهر هرات ظاهر شده، تا مردم و نظامیان فاتح به این باور شوند، که قطعات دیگر قیام کننده با آنها پیوسته است.

مردم و نظامیان هم فریفته این صحنه سازی شدند. . . لهذا عوض مقابله به استقبال آنها شتافتند.

وقتی تانک ها داخل شهر شده و نزدیک "زلمی کوت" رسیدند، یکباره علیه مردم و نظامیان قیام کننده آتش کشوندند. . . همزمان طیارات بم افکن از میدان هوایی شیندند و خاک شوروی وقت، به پرواز آمده و با بمباری شدید و بی امان، ابتکار عمل را از قیام کنندگان گرفتند.

با آنهم مردم عادی و نظامیان قیام کننده با پایمردی و مورال بلند به مقابله ادامه می دادند. . . اما آتش ثقیل تانک های مهاجم و بمبارد بیدریغ طیارات، تلفات سنگینی به بار آورد. اکثریت قیام کنندگان نظامی و ملکی در این جنگ به شهادت رسیدند که "دگرمن نور محمد خان" نیز از جمله شهدا در این روز بود. . . بعضی از رهبران نظامی این قیام مانند تورن اسماعیل خان و علاوالدین خان که عرصه را تنگ یافتند، به تپه های مجاور پناه برده بعدها به تشکیل گروه های چریکی پرداختند.

در ۲۹ حوت، ایادی رژیم به کمک مسقیم بادران روسی شان بر شهر هرات مسلط گردیدند. . . و بدین گونه قیام ملی و خونین ۲۴ حوت بعد از پنج روز تلاطم درهم شکسته شد. بعد از استقرار دوباره رژیم در شهر هرات،

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دستگیری های کتله ای اعم از اهالی ملکی و نظامی آغاز گردید، گرفتار شدگان بعد از شکنجه های غیر انسانی دسته جمعی تیر باران شده و به حفره های بزرگ که قبلاً آماده شده بود روی هم انبار می شدند.

در این قیام و اعدام ها حدوداً میان ۲۵ هزار تا ۴۵ هزار افراد ملکی و نظامی که به هر نقطه افغانستان تعلق داشتند از بین برده شدند.

چون رژیم مذکور و منفور وابسته به روس ها، یعنی باداران شان از این قیام سرتاسری که در آن نظامیان با برادران ملکی شان شانه به شانه، به خاطر طرد استعمار و اسارت تشریک مساعی نمودند، به خوف افتیدند که مبدا قیام های همگون در دیگر قطعات اردو و دیگر ولایات کشور صورت بگیرد، لهذا . . . همزمان با قیام هرات دست به دستگیری های وسیعی، بخصوص در اردو و پولیس زدند. تنها در این برهه از زمان (۲۴ حوت الی ۲۷) صرف در قطعات قوای مرکز به تعداد حدوداً ۱۲۰۰ نفر صاحب منصب گرفتار و به زندان پلچرخ و دیگر زندان های مرکز سپرده شدند. . . به هر حال. . .

قیام خونین و ملی هرات اگر چه توسط سلاح های مدش عصری و قساوت وحشیانه حزبی و سازمانی ها درهم شکست، اما یکبار دیگر مردم افغانستان ثابت ساختند که مرگ را نسبت به غلامی ترجیح می دهند.

یاد شهدای قیام هرات گرامی باد و روان شان شاد.

تذکار :

فهرست اسمای نظامیانی که ذکر گردید، مکمل نبوده، امید با دسترسی به اسناد و شواهد بیشتر در آینده، نام ها و هویت بیشتر این جانبازان راه آزادی، درج تأریخ خونین سرزمین ما گردد.

میسیساگه، انتاریو، کانادا ۲۰۰۱ میلادی

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ